

بررسی و تحلیل ساختار اجتماعی محلات شهری قم (سال ۱۳۸۲)

رسول ربانی*، جواد افشار کهن** و صمد کلانتری*

*گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

**گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

اعتبار هر نظریه و مکتبی از یک جنبه در میزان علمی و کاربردی شدن آن است. نظریه‌ها و مکاتب مختلف جامعه‌شناسی شهری درصدد تبیین موقعیت و کاربری مناطق شهری هستند، برای مثال، نگرش سیستمی شهر را یک نظام پویا و متضمن تفکرات و روابط واقعی می‌داند که در آن انواع سنخ‌های آرمانی یافت می‌شود. دیدگاه دورکیم، مارکس، زیمل، وبر، پارک، ویرث، مکتزی و... هر کدام به نحوی شهر را مورد بررسی قرار می‌دهند. آنچه مهم است انطباق این دیدگاه‌ها با شرایط شهرهای مختلف است و مهمتر اینکه شهرها چقدر توانسته‌اند براساس این دیدگاه‌ها ساخته شوند. در این تحقیق ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف، در جهت انطباق آنها با شرایط شهر قم تلاش شده است. در این شهر قم (با توجه به فضای مذهبی شهر) ما شاهد جنبه‌های ناهمگون فرهنگی و نابهنجار قومی در این زندگی شهری هستیم و مهاجر پذیر بودن این شهر و مهاجرت بی‌رویه فقرا و

طبقات متوسط به پایین به این شهر، موجب شکل‌گیری شکافهای حادی گردیده است. در جهت تسهیل روند تحقیق، شهر قم به چهار منطقه و ۶۵ محله تقسیم گردید و البته تأکید بر محلات شهری در راستای پر اهمیت بودن آنها به عنوان کوچکترین واحدهای اجتماعی در شهرهای اسلامی بوده است. بدین طریق زمینه‌های مشارکت اجتماعی شهروندان امکان تحلیل و بررسی یافته و مقدمات برنامه‌ریزی مبتنی بر "محله" (و نه "منطقه") فراهم گردیده است.

واژه‌های کلیدی: شهر، محله، سیستم، مشارکت اجتماعی، مهاجرت، برنامه‌ریزی شهری.

مقدمه

ساخت یک مفهوم کلی و دارای کاربرد وسیع در علوم اجتماعی است. در برداشتی عام یک ساخت اجتماعی مجموعه یا کلی است اجتماعی، متشکل از اجزایی سازمان یافته، کم و بیش وابسته به هم و دارای پیوندی بادوام با یکدیگر (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۲). به لحاظ واژه‌شناسی کلمه ساخت از کلمه لاتین Structura و از فعل *struere* به معنی ساختن و بنا کردن گرفته شده است. بدین ترتیب هرگاه میان عناصر و اجزای یک مجموعه که کلیت آن مورد نظر است رابطه‌ای نسبتاً ثابت و پابرجا برقرار باشد، به مفهوم ساخت می‌رسیم. از این رو، ساخت دارای دو وجه خواهد بود: یکی متشکل از عناصر تشکیل دهنده آن و دیگری روابط ثابتی که عناصر ساختی را به یکدیگر مرتبط می‌سازند (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۲۵). در برداشتی تخصصی‌تر هنگامی که جامعه‌شناسان سخن از ساخت می‌رانند، اغلب منظورشان نظامی نسبتاً مستقل از حیات اجتماعی است و همچون موجودی جاندار بدان نگرسته می‌شود؛ بدان معنی که قادر به رشدی مستقل است، می‌تواند تداوم زمانی یابد و واکنشی خاص در برابر مقتضیات بیرونی نشان دهد (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۲). از این رو، میتوان میان مفهوم ساخت با مفاهیم ارگانیسم و سیستم قایل به رابط شد. در این راستا یک ارگانیسم عبارت است از یک سیستم وابسته به هم از ساختارها و وظایف مستقل (سیادت و ربانی، ۱۳۸۱: ۱۰) و سیستم نیز مجموعه‌ای از اجزاء است که با ارتباط و همبستگی متقابل مجموعه واحدی را تشکیل می‌دهند و نقش معینی را ایفا می‌کنند (اسحاقیان و هویدا، ۱۳۷۶: ۱۶۶).

با چنین دریافتی از مفاهیم مزبور می‌توان گفت: شهر مکان اسکان گروهی انسان‌ها و محل فعالیت‌های آنهاست (مولن، ۱۹۷۳: ۱۸) که از جمله می‌توان از دیدگاه ساختنی به آن نظر کرد و تعاریف متعددی برای آن ارایه نمود. از دیدگاه ژان رمی^۱، شهر دارای نظم و انسجام فرهنگی همراه با نوآوری و پیشرفت می‌باشد (رمی، ۱۹۹۲: ۹). از دیدگاهی دیگر در مجموع شهر بازتاب تفکرات سازمان یافته در یک منطقه فرهنگی - فضایی همراه با قوانین خاص خود به شمار می‌آید (ویر، ۱۳۷۰: ۳۸) و یا می‌توان گفت: شهر یک سیستم است و نیازمند به تحلیل و نگرش سیستمی و الگوهای توسعه خاص می‌باشد (مرلن و چوی ۱۹۸۸: ۶۴۵). نظریات دیگر در این باره بیانگر آنند که سیستم شهری تعامل اجتماعی در حوزه‌ای مشخص است (وی نک، ۱۹۸۴: ۲۵۵) و این حوزه روابط داخلی و خارجی سیستم را تنظیم می‌نماید و فعالیت‌های آن مورد تایید قرار می‌دهد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۴۴۲). به‌طوری که سیستم شهری دارای دستگاه متعادل کننده است و به هماهنگی بین بخش‌های مختلف شهر اقدام می‌نماید (کرال: ۲۹۵: ۱۹۸۶). از این رو می‌توان گفت شهر دارای الگوهای ساختنی سنخ‌های آرمانی از لحاظ تنوع فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی است (گراف می‌یر، ۱۹۹۴: ۱۴) و از این رو هر شهری به‌عنوان یک نظام، تمام بخش‌ها و مناطق را شامل می‌شود و همانند یک ساخت اجتماعی عمل می‌کند (مولن، ۱۹۹۱: ۷۹).

شهر قم نیز همانند دیگر شهرها دارای یک نظام اجتماعی - ساختنی است که مجموعه‌ای از عوامل در ساختار آن نقش دارند. یکی از مؤلفه‌های ساختاری مهم دیگر وجود محله‌ها به‌عنوان مکان وفاق اجتماعی توأم با مشارکت‌های سیاسی - اجتماعی است. محله مهمترین بخش هر جامعه شهری است زیرا مکان مناسب روابط اجتماعی می‌باشد. از این رو، برنامه ریزان می‌توانند با توجه به جامعه‌شناسی محله به فکر ساماندهی شهر باشند.

بیان مسأله

فرایند شهری شدن، رشد شهرها و گذر از جوامع کشاورزی و تغییر الگوهای رفتاری شهروندان را به همراه داشته است. رشد جمعیت شهری در کشورهای توسعه یافته نظم نسبی یافته، ولی این امر در کشورهای در حال توسعه به علت مهاجرت‌های بی‌رویه هنوز چندان ساماندهی نشده است. افزایش

جمعیت شهرها، نبود امکانات شهری مناسب، حاشیه نشینی و... از مسایل عمده شهرهای این کشورها محسوب می‌شود.

در کشور ایران نیز اکثر شهرهای بزرگ بخصوص آنهایی که مرکز استان تلقی می‌شوند با پذیرا بودن تعداد عظیمی از مهاجرین همواره بر رشد جمعیت و توسعه فیزیکی شان افزوده می‌شود. شهر قم نیز از جمله شهرهایی است که با پدیده مهاجرت پذیری مواجه است. ورود مهاجرین با خرده فرهنگهای مختلف، ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر را دستخوش نوعی بی‌نظمی و دگرگونی کرده و موجب بروز نارسایی‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. شهر قم به علت بُعد مذهبی-سیاسی اش ام‌القرای شهرهای شیعه مذهب بوده و طبعاً جایگاه خاصی برای مهاجرین با خرده فرهنگهای متفاوت داشته است. با توجه به این که مهاجرین از این نوع عمدتاً از اقشار متوسط و بعضاً فقیر (از لحاظ مادی) بوده‌اند، لذا تأثیر خاصی بر ساختار فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی مناطق شهر قم داشته‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی از نوع توصیفی است که ضمن بکارگیری اسناد و مدارک از پرسشنامه نیز استفاده شده است. پرسشنامه برای بررسی وضعیت مسکن، مهاجرت، شغل، جنسیت، تأهل، مدت اقامت، سن، درآمد، بعد خانوار، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تنش‌های قومی، آسیب‌های اجتماعی، بیکاری، گروه‌های قومی و نظارت اجتماعی تهیه شده است. پرسشنامه بصورت محقق ساخته می‌باشد و فقط به توصیف وضعیت و نظرات و دیدگاه‌های مردم در ۶۵ محله در قالب مناطق چهارگانه شهری قم می‌پردازد. تکمیل پرسشنامه در دو مرحله بوده است: ابتدا، در کل مناطق شهری قم و سپس تقسیم جغرافیایی قم به صورت چهار منطقه با ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت با ۶۵ محله موجود در این مناطق. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی بوده و از فراوانی و درصد در قالب نرم‌افزار (spss) استفاده شده است. تعداد خانوارها از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و در هر خوشه‌ای به صورت تصادفی انتخاب شده است. لازم بذکر است در زمینه جامعه آماری، هیچ آماری از محله‌ها هنوز هم وجود ندارد که بتوان از طریق آن حجم نمونه انتخاب کرد، زیرا این کار برای اولین بار انجام می‌گیرد.

به طور کلی هدف از این تحقیق میدانی سنجش نظرات و دیدگاههای مردم محله‌های شهری قم بوده و چون نظر سنجی است فاقد فرضیه می‌باشد.

بررسی بعضی از دیدگاهها و نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری و انطباق آنها با جامعه شهری قم

نظریه‌های زیادی توسط عالمان اجتماعی در مورد شهر داده شده است و هر یک از آنها بعدی از شهر را مورد توجه قرار داده‌اند و به تبیین آن پرداخته‌اند. برای درک و تحقیق درباره شهر شاید تلفیقی از این نظریه‌ها مناسب‌تر باشد. چون شهرنشینی یک پدیده چند بعدی است و برای فهم این پدیده نمیتوان گفت که کدامیک از این ابعاد اهمیت بیشتری دارد.

استفاده از مقایسه نمونه ایده‌آل بین یک مدل جامعه سنتی از یک طرف و ظهور جامعه شهری از طرف دیگر رهیافت اکثر جامعه‌شناسانی چون فردیناند تونیس^۱ (۱۸۷۹)، کارل مارکس^۲ (۱۹۷۸)، امیل دورکیم^۳ (۱۸۹۳)، جورج زیمل^۴ (۱۹۰۵) و ماکس وبر^۵ (۱۹۲۰) است و این پنج دانشمند اروپایی بنیانگذاران کلی علم جامعه‌شناسی شهری به حساب می‌آیند. در زیر نکاتی از دیدگاه هر کدام از آنها بیان می‌شود.

تونیس باور داشت که فرآیند شهرنشینی منجر به ظهور سکونتگاه جدیدی با ویژگیهای فرهنگی خاص خودش می‌گردد. او با در مقابل هم قرار دادن شکل جدید سکونتگاه با شکل سنتی آن یعنی روستا از اصطلاح آلمانی «گمینشافت» و «گزلشافت» بهره جست. گمینشافت به آن واحد طبیعی و ارگانیک زنده، که دارای یک توافق اساسی یا درک دو جانبه براساس روابط خویشاوندی و محل مشترک سکونت و دوستی است اطلاق می‌شود. این تعریف شباهت به تعریف اجتماع^۶ دارد. گزلشافت به نوع ظهور سکونتگاه شهری صنعتی اشاره دارد و او در باره آن می‌گوید:

«نهادهای شهر آشکارا روند بسوی گزلشافت را منعکس می‌نمایند. بجای آداب و رسوم سنتی متناسب جوامع کشاورزی، قوانین قراردادی فرموله شده وجود دارد. اقتصاد بازرگانی مبتنی

1. Ferdinand Tonnies
2. Kark Marx
3. Eamile Durkheim
4. Georg Simmel
5. Max Weber
6. Community

بر صنعت موجب نابودی اقتصاد خانوادگی گردیده است. انواع سازمانهای اجتماعی غیرشخصی تحکیم و پایداری خانواده را کاهش داده است، آداب و رسوم قبلی بعنوان ستون اصلی نظارت اجتماعی در روستا عمل می‌کنند. در صورتی که در شهرهای بزرگ قرارداد اجتماعی و افکار عمومی این نقش را ایفا می‌کنند» (ایران محبوب، ۱۳۸۰: ۳). به طور کلی، او اشکال حیات اجتماعی را منبعث از فعالیت و عمل انسان می‌داند که آگاهانه یا ناآگاهانه بدان دست می‌زنند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۲۱). مارکس بخاطر تحلیل جامع از پیدایش نظام سرمایه داری صنعتی شهرت یافت. او شهرنشینی را بعنوان فرآیند فرعی مهمی در داخل تحلیل خود جا می‌دهد. برای مارکس، بحث شیوه تولید فتودالی و گذار به مرحله نظام سرمایه‌داری به موضوع شهر پیوند می‌خورد، شهر نظام فتودالی قرون وسطی را در هم می‌شکند در حالیکه خود را به مرحله بالاتر ارتقاء می‌دهد (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

دورکیم بر این باور بود که چگونه گروههای انسانی تشکیل می‌شوند، آنچه که او آن را مساله سازمان اجتماعی می‌نامید. او در اثرش دو نوع انسجام اجتماعی متمایز را در مقابل یکدیگر قرار داد: (۱) انسجام مکانیکی (۲) انسجام ارگانیکی.

دورکیم معتقد بود که در فرآیند ظهور جوامع صنعتی شهری اواخر قرن نوزدهم، این نوع انسجام جدید ارگانیکی جایگزین نوع مکانیکی آن می‌شود. در چنین نظام هماهنگی، شکاف ایجاد شده از طریق فرسودگی و تخریب پیوند خویشاوندی بوسیله مهاجرت و از بین رفتن نحوه تولید سنتی در اثر تقسیم کار، گسترده می‌گردد.

برخلاف «تونیس»، «دورکیم» از ظهور نظم صنعتی شهری جدید وحشت نداشت بلکه آن را بعنوان سرچشمه بی‌سازمان (آنومی) و آسیب‌شناسی اجتماعی می‌دانست. به همین دلیل بود که او فکر می‌کرد که درک هوشمندانه ظهور نظم اجتماعی براساس شهرنشینی ضروری است (ایران محبوب، ۲۴). با تاکید بر دو مفهوم انسجام مکانیکی و ارگانیکی دورکیم می‌توان بسیاری از مسایل و مشکلات شهری را از این منظر مورد بررسی قرار داد. با توجه به نظر دورکیم چنین مستفاد می‌شود که در شهرهای بزرگ انسجام ارگانیکی حاکم است ولی مهاجرین تازه وارد که از روستاها و مکانهای اجتماعی کوچکتر به شهر مهاجرت می‌کنند از نگرش جامعه مکانیکی برخوردارند.

گنورک زیمل در عین حال که به «وبر» نزدیک است به بعد روانشناسی اجتماعی انسان شهری توجه داشته است. او سعی در فهم این نکته داشت که چگونه ظهور ساخت جدید شهری بر ارزشها، باورداشتها و قوانینی که مردم در زندگی خود بکار می‌برند و بطور خلاصه بر فرهنگ

و پیامدهای روانی- اجتماعی شهرنشینی اثر می‌گذارد. طبق نظر زیمل، افزایش اندازه، تراکم، ناهمگنی سکونتگاهها و همچنین افزایش مبادله بازار غیرشخصی (رسمی)، اثرات فرهنگی و روانشناختی بر ساکنین شهر دارد (ایران محبوب، ۲۵).

از نظر زیمل رفتار در شهر عقلانی می‌شود و عقلانی شدن در شیوه زندگی دو بعد دارد: بعد اول مربوط به سنجش، محاسبه و کمی کردن می‌شود که در ضمن این جریان کیفیت‌های زندگی تبدیل به عدد و رقم می‌شوند. در جامعه عقلانی پول نقش مهمی دارد، چون ابزار اصلی سنجش است. هر آنچه که قابل سنجش نباشد جایی در این مجموعه نخواهد داشت. حاصل این گرایش بیگانگی انسان شهری است. بعد دوم مربوط به انسانی است که در جامعه عقلانی و پر جنب و جوش شهر در معرض محرک‌های بی‌شمار واقع می‌شود و دچار دلزدگی می‌گردد، چون از یک طرف اعصابش بیش از حد تحریک می‌شود و از طرف دیگر ناچار است همه کیفیتها و تمامی ابعاد عاطفی خود را فراموش کند. (ممتاز: ۱۰۷)

از نظر «وبر» برای تشکیل شهر به عنوان اجتماع کامل، یک سکونتگاه باید دارای تسلط نسبی روابط تجاری- بازرگانی بوده و خصایص زیر را دارا باشد: قلعه، بازار، دربار و قانون نسبتاً مستقل، نوعی سازمان و تشکیلات شهری مربوط به آن، استقلال نسبی و خودفرمانی یعنی مدیریت توسط مدیرانی که با مشارکت شهروندان انتخاب شده باشند. خودفرمانی و مدیریت توسط مدیران منتخب مردم مهمترین وجه تمایز شهر از نظر وبر است.

وبر در مورد شهرهای آسیایی نظری مخالف با آنچه در شهرهای اروپایی داده است دارد و آن اینکه اداره امور شهر به دست شهروندان نمی‌باشد و اعمال اجتماعی که حاصل فعالیت شهروندان باشد در آسیا دیده نمی‌شود. در اروپا ضرب المثل معروفی وجود داشت که می‌گفت «هوای شهر انسان را آزاد می‌سازد» یعنی یک رعیت برای آزاد شدن از قیود نظام فئودال با مهاجرت به شهر و یافتن کار در شهر به آزادی دست می‌یافت و رابطه خود را با ارباب فئودال و روستا به کلی قطع می‌کرد و مبدل به فردی می‌گردید که دارای حقوق شهروندی است. ولی در آسیا افراد حتی با آمدن به شهر رابطه خود را با قبیله یا ایل و روستا قطع نمی‌کردند (ممتاز، ۱۱۲-۱۱۰).

نظریه‌های مکتب شیکاگو

در اینجا سعی ما بر این است که تصویری از نظریه پردازان مکتب شیکاگو ارائه دهیم و سپس بوسیله این مدل‌های ارائه شده شهر قم را مورد بررسی قرار داده تا ببینیم با کدامیک از مدل‌ها نزدیکی بیشتری داشته است و بوسیله آن مطالعات خود در مورد شهر قم را عمق بیشتری ببخشیم. در مکتب شیکاگو که گرایش به اثبات گرایی و داروینسم اجتماعی ضمن تأثیرپذیری از «زیمل»^۱ دیده می‌شود، مساله شهر به شکل کاملاً متفاوتی مطرح شده است از این دیدگاه شهر به عنوان یک پدیده محیطی که تحت عنوان تاثیر عوامل اقتصادی قرار دارد در نظر گرفته می‌شود. (ممتاز، ۱۴۴). «شهرگرایی بعنوان یک روش زندگی» بنیانی از یک مفهوم تئوریک اصیل بود که لوئیس ورت آن را مطرح نموده و تا ۲۵ سال بعد، بر حوزه جامعه‌شناسی شهری مسلط بود. تئوری ورت بطور کلی سه عنصر اصلی شهرنشینی را مطرح می‌کند که عبارتند از: اندازه^۲ جمعیت، تراکم^۳ جمعیت، و ناهمگنی^۴ جمعیت. به عبارت دیگر هر چه جمعیت در یک منطقه بزرگتر، متراکمتر و ناهمگنتر باشد آن وقت سبک زندگی در آن منطقه بیشتر شهری شده است. در این سه مفهوم خصایص اصلی شهر در نظر گرفته می‌شوند، دو مفهوم اول بوم‌شناختی و مفهوم سوم جامعه‌شناختی است که از دو مفهوم اول استنتاج می‌شوند.

به طور کلی به نظر ورت مناطق شهرنشین به علت فرصتهای شغلی‌ای که ارائه می‌دهند، مهاجرین را بخود جذب کرده و بدین ترتیب الگوهای فرهنگی بسیاری را بوجود می‌آورند. اغلب شهرهای بزرگ محله‌های مجزایی از تازه واردین که هنوز کاملاً جذب فرهنگ زندگی شهری نشده‌اند را بوجود آورده‌اند. بطور کلی در طول تاریخ بشر، شهر بیش از روستا بطرق مختلف (از طریق نژادی، فرهنگی، ساخت اجتماعی و سبک زندگی کلی) ناهمگن بوده است.

ورت معتقد است که اصولاً این ناهمگنی است که کیفیت ناهنجاری زندگی شهری را توصیف می‌کند علاوه بر گوناگونی فرهنگی، جزیی بودن روابط اجتماعی باعث نامربوط بودن جنبه‌های مختلف زندگی شهری پیچیده می‌شود. جدایی جایی که شخص زندگی و کار می‌کند، نوع کاری که او دارد، درآمد، علایق و وفاداری او فرهنگی بخوبی با هم مربوط نمی‌شوند. ورت

1. Georg Simmel

2. Size

3. density

4. heterogeneity

می‌گوید این ناهمگنی منجر به خوشه خوشه شدن مردم شده و از نظر اکولوژیکی مانند گنوه‌های نژادی، مناطق فقیرنشین، و محله‌های طبقات متوسط اجتماعی مجزا می‌شوند.

تئوری اکولوژیکی مکنزی^۱ یک تئوری جامعه‌شناختی در مورد تغییر کاربری زمین است. مکنزی بجای تمرکز روی شکل و هیأت مناطق، یک طبقه‌بندی در مورد فرآیندهای اکولوژیکی مختلف بوجود آورد که بنوبه خود اثر مهمی بر زندگی اجتماعی یک منطقه، جایی که تغییر حاصل می‌شود، را بازگو کند.

تغییراتی که در جمعیت انسانی پدید می‌آید ممکن است از عوامل جمعیت‌شناسی (ولادت، مرگ و میر و مهاجرت) ناشی شود. با وجود اینکه ولادت و مرگ و میر تا حدودی بر الگوهای ثبات و تغییر در اکثر شهرها تاثیر داشته ولی از نظر تاریخی مهاجرت‌های بین شهری تاثیر بسیار بیشتری در اکولوژی مناطق مسکونی داشته است. مکنزی پنج فرآیند اکولوژیکی که هم در اندیشه‌های دگرگونی جمعیت و هم در تغییرات الگوهای مسلط کاربری زمین دخالت داشته‌اند را شناسایی کرده است که عبارتند از:

تراکم، عدم تراکم، تمرکز، عدم تمرکز، جدایی مکانی.

تئوریهای اکولوژیکی و انطباق آن با شهر قم

ورث معتقد بود که اندازه جمعیت در یک منطقه، تراکم جمعیت و ناهمگنی، خصایص اصلی شهر محسوب می‌شوند، او دو مفهوم اول را بوم‌شناختی و مفهوم سوم را جامعه‌شناختی می‌داند. اگر خواسته باشیم این سه متغیر را با الگوی توسعه‌ای شهر قم مطابقت دهیم میتوان گفت: متغیر اندازه جمعیت که به بزرگی و افزایش جمعیت در یک منطقه نظر دارد در مورد شهر قم یک امر بدیهی می‌باشد، ولی در زمینه میزان تراکم در شهر قم طبق مشاهدات بعمل آمده موارد زیر را میتوان استنتاج کرد. ناگفته نماند که تراکم به میزان فشردگی و افزایش جمعیت در واحد سطح گفته می‌شود. بنابراین اندازه جمعیت و تراکم دو مفهوم مکمل یکدیگر هستند. با این همه میزان تراکم در شهر قم به گونه‌ای است که هر چه قدر از مناطق و محله‌های مرکزی شهر قم به طرف حاشیه حرکت کنیم از میزان تراکم کاسته خواهد شد. این امر را در طرز ساخت و سازه‌های

واحدهای مسکونی، به وضوح میتوان ملاحظه کرد. در این محله‌ها ما شاهد این امر هستیم که خانه‌های مسکونی، قدیمی تخریب، گردیده و بجای آن آپارتمانهای چهار یا پنج طبقه سربر می‌آورند. ناهمگنی جمعیت یک متغیر دیگر در نزد «لوئیس ورث» است. ناهمگنی در نتیجه افزایش و تراکم جمعیت در یک منطقه بوجود می‌آید.

در شهر قم نیز این ناهمگنی را میتوان ملاحظه کرد. از لحاظ ساخت اجتماعی جمعیت ساکن مناطق مختلف شهر به سه دسته بالا، متوسط و پایین تفکیک می‌شوند. گستره طبقات متوسط بیش از سایر طبقات است. در شهر قم هر چه از قسمت مرکزی شهر به نقاط حاشیه حرکت کنیم از میزان مرتبه اجتماعی آن کاسته خواهد شد. (بخصوص در منطقه نیروگاه).

از جنبه ناهمگونی فرهنگی و قومی ساکنین شهر قم نیز میتوان چنین نتیجه گرفت: از آنجایی که مبادی ورودی شهر قم چهار راه ارتباطی با سایر نقاط استان محسوب می‌شود بنابراین گروههای مهاجر برارده شده از چهار جهت اصلی از خصوصیات قومی و فرهنگی خاصی برخوردارند. از این رو در شهر قم تقریباً می‌توان از کلیه اقوام ایرانی و بعضاً خارجی (عراقی، افغانی) یاد نمود که هر کدام وضعیت خاصی دارند، مثلاً عرب‌ها از وضعیت مالی بهتری برخوردارند فقط بدین خاطر که منابع درآمد خارجی نیز دارند، افغانه عمدتاً کارگر هستند، آذری‌ها و کلاً ترک‌ها نیز در مشاغل متوسط و با درآمد کم مشغول بکارند. جایگاه اصلی ترک‌ها، منطقه نیروگاه است، اگر چه بخاطر تحرکهای اجتماعی باعث شده پس از اقامت اولیه به دیگر مناطق نیز نقل مکان نمایند؛ و از این رو در همه محله‌ها ترکیبی از چند گروه قومی دیده می‌شود.

ورث معتقد بود که اصولاً این ناهمگنی است که کیفیت ناهنجاری زندگی شهری را توصیف می‌کند. در این رابطه در محلات مهاجرنشین که ناهمگنی فرهنگی بیشتر بوده است میزان تنش‌ها و مسایل اجتماعی نیز تقریباً بیشتر از سایر نقاط است به عنوان مثال یکی از ساکنین منطقه نیروگاه تعریف می‌نمود که حتی بنا به دلایلی بر سر خرید یک گوسفند مدتها بین دو محل نزاع بود و مشکل از طریق دخالت نیروهای انتظامی حل گردید.

پراکندگی جمعیتی بر روی نقشه، آگاهی زیادی در مورد زندگی اجتماعی بخش‌های جغرافیایی مختلف بدست می‌دهد. اگر چه از طریق کاربرد نقشه میتوان تمرکزهای طبقاتی جمعیت را مشخص کرد. ولی این اطلاعات به تنهایی خرده فرهنگهای مختلف یا الگوهای کنش

متقابل اجتماعی مناطق مختلف را مشخص نمی‌کند. برای درک زندگی اجتماعی یک منطقه نیاز به مشاهده مستقیم مشارکتی، بررسی‌های تجربی و کشف تاریخی روندهای اجتماعی است.

انطباق مدل‌ها و نظریه‌های ستاره‌ای، مناطق متحدالمرکز و قطعی با شهر قم

از نقطه نظر جغرافیایی شهر قم در چهار راه ارتباطی قرار دارد که با توسعه فضایی شهر ارتباط مستقیمی دارد. محور اصلی شهر قم را حرم حضرت معصومه (س) تشکیل می‌دهد. در اطراف آن خیابان‌های اصلی شهر قرار دارند. محله‌های عرب‌نشین عمدتاً در این راستا قرار دارند. کار عمده این محله نشین‌ها مغازه‌داری و مشاغل آزاد با درآمد نسبتاً خوب است. بتدریج که از حرم دورتر می‌شویم، محله‌های کارگر نشین به چشم می‌خورند. در محورهایی که آب شیرین نیز وجود دارد، محله‌های نسبتاً ثروتمند قرار دارند. در این بخش از تحقیق، برای سهولت کار مناطق قم را به چهار منطقه و ۶۵ محله تقسیم و تفکیک نموده‌ایم، لذا در این قسمت لازم است توضیحاتی در مورد محله داده شود. اما اگر خواسته باشیم تعریف محله را از بعد جامعه‌شناختی عنوان کنیم باید بگوییم محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود. خانواده‌ها نسبت به محله مسکونی همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبرو می‌بینند. برای تشکیل یک محله شهری شرایط چندی لازم می‌باشد:

- ۱- دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد ۲- پیدایش و تکوین اجتماع کوچک از مردم ۳- وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.

اگر تعریف فوق را مدنظر قرار دهیم باید مصداق آن را در شهر قم بررسی کنیم. بیش از ۶۵ محله در این شهر مشاهده می‌شود (البته این آن چیزی است که بر روی نقشه ملاحظه می‌شود و گرنه طبق مشاهدات میدانی مشخص شده که در داخل این محلات نیز محله‌های کوچکتری شکل گرفته است).

تئوری ستاره‌ای «هرد» و انطباق آن با شهر قم

در این تئوری شهر از مرکز در طول شعاع‌های حمل و نقل رشد می‌کند که منجر به یک شکل ستاره‌ای می‌گردد. الگوی توسعه‌ای شهر قم شباهت زیادی با این تئوری دارد. نظر به اینکه شهر قم از چهار جهت اصلی و مسیر حمل و نقل جاده‌ای با سایر مناطق در ارتباط بوده است، لذا

جمعیت زیادی را در اطراف این مسیرهای حمل و نقل متمرکز کرده است و نیز در مراحل بعدی با توسعه سیستم‌های حمل و نقل عمومی شهری و ایجاد مجتمع‌های مسکونی و شهرکهای جدید و نیز ورود مهاجرین از مناطق دیگر به شهر قم فواصل بین نقاط ستاره‌ها پر شده است. لازم به ذکر است که عوامل توسعه شهر قم به ترتیب اهمیت عبارتند از: عامل مذهبی (وجود حرم)، عامل سیاسی (توجه خاص مسئولین و نزدیکی به تهران) و عامل حمل و نقل و ارتباطات (در مسیر اصلی تهران-اصفهان).

انطباق تئوری مناطق متحدالمرکز برگس و پارک با شهر قم

طبق این نظریه گروههای اجتماعی که از نظر پایه اکولوژیکی گوناگون باشند در داخل شهر دارای رقابت، همانند شدن و سازگاری با یکدیگر هستند و این فرآیند اجتماعی در پنج منطقه کاربری زمین متمایز می‌تواند قرار گیرد که شکل دوایر متحدالمرکز به خود می‌گیرند. در این تئوری منطقه داد و ستد مرکزی در درجه اول قرار می‌گیرد و داخلی‌ترین منطقه شهر محسوب می‌شود. در شهر قم نیز میتوان این الگو را مشاهده کرد یعنی منطقه مرکزی شهر متشکل از بازار و فروشگاههای بزرگ مرکز تجمع بانکها، سالنهای سینما.... می‌باشد. به منطقه دوم که حلقه خارجی منطقه مرکزی است منطقه انتقالی اطلاق می‌شود. در اینجا الگوی کاربری زمین از حالت مسکونی به تجاری در حال تغییر است. به نظر می‌رسد که در شهر قم نیز این فرآیند رخ داده باشد چرا که این منطقه محل سکونت طبقات نسبتاً مرفه بوده که می‌خواستند نزدیک منطقه مرکزی شهر زندگی کنند. بعدها بدلیل تراکم جمعیت و افزایش ترافیک همراه با آلودگی‌های صوتی و ناپاکیزگی هوا، طبقات مرفه نقل مکان کرده و در شهرک‌های گتویی خود مأمن گزیدند. البته در مورد قم موضوع آلودگی عامل نقل و انتقال نیست، زیرا نزدیکی به مرکز (حرم) و بازارها مهم است. با توجه به کاربری تجاری این مناطق و گران بودن اراضی، طبقات مرفه اقدام به خرید و فروش زمین و بعضاً زیست در این مناطق می‌کنند.

طبق الگوی برگس و پارک منطقه سوم محل سکونت کارگران نام‌گذاری شده است. این قضیه در مورد شهر قم کاملاً متفی است زیرا در این شهر این منطقه محل سکونت طبقات متوسط بالا است. منطقه چهارم نیز به طبق نظر برگس و پارک محل تمرکز طبقه اجتماعی متوسط می‌باشد. در شهر قم نیز این منطقه محل سکونت طبقه اجتماعی متوسط شامل کارمندان، بازرگانان جزء و قشرهایی که دارای درآمد متوسط و برخوردار از امکانات متوسط می‌باشند دیده می‌شود.

منطقه پنجم در تئوری برگس و پارک منطقه حومه‌نشینان یا خارج از محدوده نام گذاری شده است که محل سکونت طبقات اجتماعی متوسط بالا و بالاتر می‌باشد. این امر در شهر قم بگونه دیگری است در این شهر هر چه از منطقه مرکزی شهر به سمت مناطق خارجی‌تر حرکت کنیم از میزان مرتبه اجتماعی ساکنین محل کاسته می‌شود.

بطور کلی در مجموع میتوان گفت این تئوری نسبتاً با شهر قم مطابقت دارد و نتایج دیگری که از آن منتج می‌شود عبارتند از: با افزایش مناطق از مرکز به سمت خارج شهر از میزان تراکم جمعیت کاسته شده و نیز ساختمانها به تنوعی از واحدهای مجزای تک خانوادهای بدل می‌شوند به عبارت دیگر هر چه به مرکز شهر نزدیک شویم بر میزان ساختمانهای آپارتمانی افزوده می‌شود. ناگفته نماند که بلندترین ساختمانها ده طبقه و بطور متوسط اکثر ساختمانهای آپارتمانی بین دوتا پنج طبقه در نوسان است. از جنبه اجتماعی نیز مرکز نشینی همچنان بعنوان منزلت تلقی می‌شود و افراد گروههای ساکن در مناطق حاشیهای سعی دارند از منطقه پنجم به منطقه سوم و دوم مهاجرت کنند. الگوی برگس و پارک تقریباً (نه کامل) بر مناطق شهری انطباق دارد زیرا مرکز (حرم) عامل تعیین کننده است. ولی یک نکته دیگر نیز مهم است و آن وجود شهرکهای جدید در بیرون مناطق و دور از مرکز می‌باشند. در اینجا امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش اساسی را داراست. لذا در مورد قم نیز مشاهده می‌کنیم که بعضاً افراد حرفه ای دور از مرکز، زندگی و در مرکز کار می‌کنند.

انطباق تئوری قطاعی هایت با شهر قم

این تئوری سعی داشت که تغییرات اکولوژیکی را در طول زمان درک کند و تاکید آن روی رشد و توسعه مناطق با اجاره بهای بالا متمرکز است. آنچه از این تئوری در مورد شهر قم برداشت می‌شود این است که اجاره بها در مناطق مرکزی و خارجی شهر قم نسبت به مناطق بیرونی‌تر بیشتر است. طبق مشاهدات و بررسی‌های بعمل آمده میتوان اجاره بها را به دو قسم تفکیک کرد: یکی برای مناطق تجاری و دیگری برای مناطق مسکونی. در مورد اول مشخصاً آن عده از واحدهای تجاری که در قسمت بازار متمرکز شده‌اند در درجه اول نیز اماکن تجاری که در امتداد خیابانها و اطراف آنها وجود دارند در درجه بعدی از نظر اجاره بها قرار دارند.

اجاره بها مناطق مسکونی رابطه مستقیمی با منزلت اجتماعی و مرتبط اجتماعی محله‌ها دارد، لذا هر چه پایگاه اجتماعی بالاتر باشد اجاره بها نیز بخاطر ساختمانهای لوکس بیشتر می‌باشد. البته،

قرار دادن چنین مناطق مسکونی را نباید بی‌ارتباط با ویژگی‌های افراد همچون وضعیت مالی، شغلی، تحصیلات و روابط اجتماعی آنها دانست.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

نظر به این که مناطق شهری قم به ۶۵ محله و شهرک تقسیم می‌شود، لذا بررسی هر محله و شهرک کاری مشکل به نظر می‌رسد و طبعاً اطلاعات هر محله نمی‌تواند اطلاعات کاملی را به ما عرضه کند. لذا از لحاظ جغرافیایی تصمیم بر آن گرفته شد که کل مناطق را به چهار منطقه تقسیم نماییم و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر منطقه را به طور جداگانه بررسی نموده و در نهایت چهار منطقه با هم مقایسه شوند و نتیجه‌گیری کلی به عمل آید. لازم به ذکر است که قبلاً اطلاعات پرسشنامه برای کل مناطق شهری قم بود، ولی این بار به صورت مناطق چهارگانه ارایه می‌گردد (روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای یا ناحیه‌ای بوده است).

وضعیت کامل پاسخگویان همه منطقه (به درصد)

وضعیت کامل پاسخگویان	منطقه یک	منطقه دو	منطقه سه	منطقه چهار
مجرد	۲۰/۱	۲۲/۳	۳۵/۹	۵۰/۰
متاهل	۷۷/۹	۷۵/۵	۶۴/۱	۵۰/۰
اظهار نشده	۱/۹۴	۲/۱۲		-
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

با توجه به اینکه تعداد نمونه‌های انتخاب شده در هر یک از ۴ منطقه مذکور برابر نبوده بنابراین ارقام مربوط را به درصد تبدیل کرده تا بتوانیم آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم. در مجموع به این نتیجه رسیدیم که درصد پاسخگویان مجرد و متاهل در منطقه ۴ با یکدیگر برابر بوده و به میزان ۵۰٪ می‌باشد و در سه منطقه دیگر درصد افراد متاهل بیشتر از درصد افراد مجرد بوده و به ترتیب منطقه یک، منطقه دو، منطقه سه، دارای ۷۷/۹ و ۷۷/۵ و ۶۴/۱ درصد متاهل می‌باشند و درصد افراد مجرد در منطقه یک، دو و سه زیر ۵۰٪ می‌باشند که منطقه یک کمترین میزان را دارا است. بر طبق داده‌های بدست آمده، در منطقه یک پاسخگوییانی که دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم هستند، درصد بیشتری از افرادی که دارای مدرک لیسانس و بالاتر از آن را دارند به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین درصد را افرادی که دارای تحصیلات راهنمایی دارند به خود تعلق

داده است. در منطقه دو نیز به ترتیب بیشترین درصد متعلق به پاسخگویانی است که مدرک دیپلم و زیر دیپلم هستند که در این میان افرادی که دارای تحصیلات مقطع راهنمایی (۲۶/۵۹) درصد بیشتری را به خود تعلق داده اند و افراد دارای مدرک فوق دیپلم به بالاتر درصد کمتری دارند در منطقه سه نیز افراد دیپلم و زیر دیپلم درصد بیشتری را دارند با این تفاوت که درصد افراد بیسواد با ۵/۱۲ درصد نسبت به دیگر مناطق تقریباً نصف می باشد. درصد افراد لیسانس ۶/۴۱ می باشد و افراد فوق لیسانس و بالاتر نیز ندارند.

در منطقه چهار نیز افرادی که مدرک دیپلم و زیر آن می باشند درصد بیشتری دارند و از این میان افراد دیپلمه میزانشان بیشتر است و درصد افرادی که دارای مدرک بالاتر از دیپلم هستند ناچیز می باشد و میزان افراد دیپلمه از سایر گروهها بیشتر است (۷/۳۳٪).

در هر ۴ منطقه فوق میزان افرادی که مدرک دیپلم و زیر آن هستند بیشتر از دیگر افراد می باشد و افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند درصد بسیار کمتری را شامل می شوند.

از لحاظ سنی با توجه به داده های بدست آمده در منطقه یک افرادی که بین ۵۰-۳۱ سال دارند درصد بیشتری (۴۳/۵) نسبت به بقیه افراد به عهده دارند و افراد زیر ۲۰ سال (۶/۵٪) و بالاتر از ۶۶ سال (۷/۱۴٪) درصد کمتری نسبت به یکدیگر دارند.

در منطقه دو نیز افراد بین ۵۰-۳۱ سال درصد بیشتری نسبت به بقیه افراد داشته و افراد بالاتر از ۶۶ سال درصد ناچیزی را تشکیل می دهند (۲/۱۲) با افراد ۲۵ تا ۲۱ و زیر ۲۰ سال با ۱۴/۸ درصد بطور مساوی توزیع شده اند.

در منطقه سه نیز بیشترین درصد متعلق به افراد ۵۰-۳۱ سال با ۲۸/۲۰ و افراد ۲۵-۲۱ سال با ۲۴/۳۵ درصد می باشد و افراد ۶۵-۵۱ با ۷/۶۹ درصد و افراد بالاتر یا ۶۶ درصد، درصد کمتری نسبت به بقیه افراد دارند.

در منطقه چهار افراد زیر ۲۰ سال و ۵۰-۳۱ سال هر کدام با درصد ۲۷/۲۰ بیشترین درصد را دارند و کمترین میزان مربوط به افراد بالاتر از ۶۶ سال می باشد.

محل تولد پاسخگویان به درصد

اظهار نشده	خارج از ایران	غیرهمجوار	همجوار	قم
	۱۴/۲۸	۱۱/۰۳	۷/۷۹	۶۴/۹
	۸/۵۱	۳۷/۲۳	۱۷/۰۲	۳۷/۲۳
	۳/۸۴	۱۷/۹۴	۱۰/۲۵	۶۷/۹۴
	۶/۷۵	۱۷/۵۶	۱۷/۵۶	۵۸/۱۰
				Total

با توجه به ارقام فوق در منطقه یک ۶۴/۹۱ درصد افراد پاسخگو متولدین قم می‌باشند. پس از آن متولدین خارج از ایران ۱۴/۲۸ درصد می‌باشد و متولدین استان‌های غیرهمجوار با ۱۱/۰۳ درصد و کمترین میزان مربوط به متولدین استانهای همجوار می‌باشد. در منطقه دو متولدین قم و استانهای غیرهمجوار بیشترین میزان را هر کدام در حدود ۳۷/۲۳ درصد می‌باشد و پس از آن متولدین استانهای همجوار با ۱۷/۰۲ درصد و در آخر متولدین خارج از ایران با ۸/۵۱ درصد کمترین درصد را تشکیل می‌دهند. در منطقه سه متولدین قم با ۶۷/۹۴ درصد بیشترین میزان، پس از آن متولدین استانهای غیر همجوار با ۱۷/۹۴ درصد و استانهای همجوار با ۱۰/۲۵ درصد و متولدین خارج از کشور کمترین درصد با ۳/۸۴ درصد را تشکیل می‌دهند. در منطقه چهار بیشترین میزان به متولدین قم تعلق دارد با ۵۸/۱۰ و پس از آن متولدین استانهای همجوار و غیرهمجوار هر کدام با ۱۷/۵۶ درصد و در آخر متولدین خارج از ایران با ۶/۷۵ درصد را تشکیل می‌دهند.

محل اقامت فعلی به درصد

مناطق فقیرنشین	مناطق متوسط	مناطق متمول نشین
۵۹/۰۹	۲۰/۷۷	۲۰/۱۲
۵۹/۵۷	۴۰/۴۲	-
۶۱/۵۳	۲۱/۷۹	۱۶/۶۶
۳۲/۴۳	۲۸/۳۷	۳۹/۱۸

با مشاهده جدول بالا متوجه می‌شویم که ۵۹/۰۹ درصد پاسخگویان منطقه یک جزو مناطق فقیرنشین بوده و پس از آن پاسخگویان با ۲۰/۷۷ و ۲۰/۱۲ درصد مناطق متوسط نشین و متمول نشین می‌باشند. در منطقه دو درصد پاسخگویانی که در مناطق متمول نشین زندگی کرده باشند صفر می‌باشد افرادی که در مناطق فقیرنشین اقامت دارند با ۵۹/۵۷ درصد بیشترین میزان را دارا می‌باشند. در منطقه

سه افراد ساکن در مناطق فقیرنشین ۶۱/۵۳ درصد بیشترین میزان را شامل گردیده است و پس از آن افراد مقیم در مناطق متوسط نشین را ۲۱/۷۹ درصد و کمترین میزان مربوط به ساکنین مناطق متمول نشین می‌باشد. در منطقه چهار تقریباً یک توزیع همگنی در سه منطقه دیده می‌شود که البته افراد ساکن در منطقه متمول نشین اندکی بیشتر از بقیه مناطق می‌باشند.

مدت اقامت در قم به درصد

اظهار نشده	بیشتر از ۲۰ سال	بین ۱۰ تا ۲۰ سال	بین ۵ تا ۱۰ سال	منطقه یک
۱/۹۴	۶۶/۸۸	۲۱/۴۲	۶/۴۹	منطقه یک
۲/۱۲	۴۲/۵۵	۳۷/۲۳	۱۲/۷۶	منطقه دو
۲۴/۳۵	۴۳/۵۸	۱۴/۱	۶/۴۱	منطقه سه
۱۷/۵۶	۲۵/۶۷	۲۷/۰۲	۱۶/۲۱	منطقه چهار

در منطقه یک ۶۶/۸۸ درصد پاسخگویان بیشتر از ۲۰ سال در قم اقامت داشته‌اند. پس از آن پاسخگویانی که بین ۱۱-۲۰ سال در قم اقامت دارند با ۲۱/۴۲ درصد می‌باشند. در ضمن افرادی که ۱-۵ سال در قم اقامت داشته‌اند درصد ناچیزی در حدود ۳/۲۴ درصد می‌باشد. در منطقه دو بیشترین درصد اختصاص به افرادی دارد که بیشتر از ۲۰ سال و ۱۱-۲۰ سال در قم اقامت داشته‌اند (۴۲/۵۵) و (۳۷/۲۳) درصد و کمترین میزان مربوط به افرادی است که بین ۱ تا ۵ سال اقامت داشته‌اند (۵/۳۱). در منطقه سه افرادی که بیشتر از ۲۰ سال اقامت دارند درصد بالاتری نسبت به بقیه دارند ۴۳/۵۸ و کمترین میزان ۶/۴۱ درصد مربوط به افرادی است که بین ۶ تا ۱۰ سال اقامت داشته است. در منطقه چهار افراد تقریباً به طور همگن توزیع شده‌اند.

به لحاظ شغلی داده های جمع آوری شده نشان می‌دهند ۴۶/۷۵ درصد پاسخگویان منطقه یک مغازه‌دار بوده پس از آن سایر شغلها و کارمندان و کارگران با ۱۶/۸۸ و ۱۱/۶۸ و ۱/۰۹ درصد قرار دارند بقیه شغلها درصد پائینی را تشکیل می‌دهند. در منطقه دو نیز مغازه‌داران با ۵۲/۱۲ درصد اکثریت را تشکیل می‌دهند پس از آن کارگران (۱۲/۷۶) و کارمندان (۱۰/۶۱) درصد و سایر شغلها قرار دارند (۱۰/۶۳). در منطقه سه مغازه‌داران با ۴۴/۸۷٪ و پس از آن سایر شغلها ۲۱/۷۹ و کارمندان نیز با ۱۰/۲۵ وجود دارد. کسانی که شغل خود را اظهار نکرده‌اند نیز درصد قابل توجهی دارند. کمترین درصد مربوط به دستفروشان می‌باشند. البته کشاورزان، تاجران، دامداران و رانندگان نیز

دیده نمی‌شوند. در منطقه چهار مغازه‌داران با ۳۹/۱۸ درصد بیشترین فراوانی را دارند پس از آن سایر شغلها (۱۷/۵۶) و کارگران (۱۳/۵۱) درصد می‌باشند. کسانی که شغل خود را اظهار نکرده‌اند ۱۲/۱۶ درصد را تشکیل می‌دهند. کشاورزان، تاجران و رانندگان نیز وجود ندارند. در هر منطقه بیکاران درصدی در حدود ۵٪ را تشکیل می‌دهند.

شغل پدر پاسخگویان به درصد

Total	منطقه چهار	منطقه سه	منطقه دو	منطقه یک
	۱۶/۲۱	۱۰/۲۵	۱۷/۰۲	۹/۷۴
	۱۲/۱۶	۵/۱۲	۵/۳۱	۷/۷۹
	۲۱/۶۲	۲۴/۳۵	۲۹/۷۸	۲۲/۷۲
	۱/۳۵	-	-	۰/۶۴
	۲۰/۲۷	۱۷/۹۴	۲۱/۲۷	۲۰/۷۷
	۴/۰۵	-	۵/۳۱	۱/۲۹
	۱/۳۵	۷/۶۹	-	۴/۵۴
	-	۱/۲۸	۲/۱۲	۱/۲۹
	۴/۰۵	۵/۱۲	۱/۰۶	۲/۵۹
	۱۲/۱۶	۱۴/۱۰	۱۱/۷۰	۱۸/۱۸
	۶/۷۵	۱۴/۱۰	۶/۳۸	۱۰/۳۸

با توجه به ارقامی که مشاهده می‌گردد شغل پدر اکثریت افراد در منطقه یک کشاورز بوده است (۲۲/۷۲ درصد). پس از آن شغل مغازه‌دار (۲۰/۷۷) و پس از آن جزو سایر شغلها می‌باشد با (۱۸/۱۸ درصد). کسانی که پدرشان کارگر یا کارمند بوده‌اند ۹/۷۴ و ۷/۷۹ درصد را تشکیل می‌دهند و تاجران کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

در منطقه دو نیز به ترتیب شغل پدرانشان کشاورز (۲۹/۷۸) پس از آن مغازه‌دار (۲۱/۲۷) و کارگران (۱۷/۰۲) درصد افراد را تشکیل می‌دهند تاجران و رانندگان در جدول دیده نمی‌شوند. در منطقه سه نیز کشاورزان با ۲۴/۳۵ درصد و مغازه‌داران با ۱۷/۹۴ درصد اکثریت را تشکیل می‌دهند و سایر شغلهای اظهار نشده ۱۴/۱۰ درصد و کارگران و رانندگان تقریباً در درجه بعد قرار دارند. تاجران و دامداران نیز دیده نمی‌شوند.

در منطقه چهار نیز کشاورزان و مغازه‌داران اکثریت را دارا می‌باشند. کارگران و کارمندان سایر شغلها در درجه بعد قرار دارند.

شغل مادر پاسخگویان به درصد

	منطقه یک	منطقه دو	منطقه سه	منطقه چهار
کارمند	۱/۹۴	-	-	۱/۳۵
خانه دار	۹۲/۲۰	۹۸/۹۳	۹۲/۳۰	۹۴/۵۹
اظهار نشده	۵/۸۴	۱/۰۶	۷/۶۹	۴/۰۵

در منطقه یک ۹۲/۲۰ درصد مادران خانه‌دار اظهار شده است، در حالیکه مادرانی که کارمند باشند ۱/۹۴ درصد (رقمی ناچیز) را تشکیل می‌دهند بقیه هم شغل مادر خود را اظهار نکرده‌اند. در منطقه دو اکثریت ۹۸/۹۳ درصد شغل مادر خود را خانه‌داری اعلام کرده‌اند و کسانی که مادرشان کارمند باشد وجود ندارد.

در منطقه سه نیز اکثریت ۹۲/۳۰ درصد مادران خانه‌داری بوده‌اند در حالیکه مادرانی که شغلشان کارمند باشد در جدول دیده نمی‌شود ۷/۶۹ درصد نیز شغل مادر خود را بیان نکردند. در منطقه چهار نیز اکثریت افراد شغل مادرشان خانه‌داری است. ۱/۳۵ درصد افراد مادرشان کارمند بوده‌اند. ۴ درصد نیز شغل مادر خود را اظهار نکرده‌اند.

شغل پاسخگویان در محل تولد به درصد

	منطقه یک	منطقه دو	منطقه سه	منطقه چهار
کارگر	۱۰/۳۸	۷/۴۴	۲/۵۶	۱۴/۸۶
کارمند	۶/۴۹	۶/۳۸	۳/۸۴	۸/۱۰
کشاورز	۱۱/۶۸	۱۵/۹۵	۱۱/۵۳	۲/۷۰
تاجر	-/۶۴	-	-	-
مغازه دار	۳۵/۰۶	۱۸/۰۸	۸/۹۷	۱۸/۹۱
دامدار	۰/۶۴	۶/۳۸	-	-
راننده	۳/۸۹	-	-	-
دستفروش	-	-	-	۱/۳۵
بیکار	۳/۸۹	۷/۴۴	۱/۲۸	۸/۱۰
سایر	۹/۰۹	۱۵/۹۵	۸/۹۷	۱۰/۸۱
اظهار نشده	۱۸/۱۸	۲۲/۳۴	۶۲/۸۲	۳۵/۱

در منطقه یک اکثریت افراد ۱۸/۱۸ درصد شغل خود را در محل تولید اظهار نکرده‌اند. ولی فراوانترین شغلها به ترتیب مغازه‌داران (۳۵/۰۶) کشاورزان (۱۱/۶۸)، کارگری (۱۰/۳۸) و سایر (۹/۰۹) بوده است. دستفروشان هم دیده نمی‌شوند.

در منطقه دو ۲۲/۳۴ درصد افراد شغل خود را اظهار نکرده‌اند مغازه‌داران ۱۸/۰۸ درصد داشته باشند. کشاورزان و سایر شغلها هر کدام ۱۵/۹۵ درصد بوده، کارگران و بیکاران هر کدام در حدود ۷/۴۴ درصد بوده‌اند. تاجر، راننده و دستفروش هم دیده نمی‌شود.

در منطقه سه ۶۲/۸۲ درصد افراد شغل خود را در محل تولد اظهار نکرده‌اند. کشاورزان با ۱۱/۵۳، مغازه‌داران و سایر شغلها هر کدام ۸/۹۷ درصد می‌باشند. تاجران، دامداران و رانندگان هم دیده نمی‌شوند. بیکاران درصد ناچیزی راد اشته‌اند.

در منطقه چهار نیز ۳۵/۱ درصد شغل خود را اظهار نکرده‌اند (در محل تولد)، مغازه‌داران ۱۸/۹۱، کارگران ۱۴/۸۶ و سایر شغلها ۱۰/۸۱ درصد می‌باشد. بیکاران نیز در حدود ۹ درصد بوده‌اند.

علت سکونت در محل به درصد

منطقه چهار	منطقه سه	منطقه دو	منطقه یک	
۳۱/۰۸	۶۰/۲۵	۴۷/۸۷	۲۷/۹۲	ارزان بودن زمین
۲۵/۶۷	۲۰/۵۱	۳۹/۳۶	۵۰/۶۴	وجود خویشاوندان
۲/۷۰	-	۱/۰۶	۱/۹۴	وجود دوستان
۹/۴۵	۱/۲۸	۵/۳۱	۵/۸۴	انتقال اداری
۴/۰۵	۱/۲۸	۳/۱۹	۳/۲۴	ازدواج
۱۸/۹۱	۵/۱۲	۱/۰۶	۶/۴۹	تحصیل
-	۱/۲۸	-	-	درآمد بیشتر
۸/۱۰	۱۰/۲۵	۲/۱۲	۳/۸۹	اظهار نشده

طبق ارقام فوق اکثریت افراد (۵۰/۶۴ درصد) علت سکونت خود را در منطقه یک وجود خویشاوندان ذکر کرده‌اند. در درجه بعد علت را ارزان بودن زمین ذکر نموده‌اند (۲۷/۹۲ درصد افراد). کسانی که علت سکونت خود را تحصیلات یا انتقال اداری ذکر کرده‌اند هر کدام در حدود ۶ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. در ضمن درآمد بیشتر علت سکونت در این منطقه نمی‌باشد.

در منطقه دو اکثریت افراد علت سکونت خود را ارزان بودن زمین ذکر کرده‌اند (۴۷/۸۷ درصد) در درجه دوم وجود خویشاوندان علت سکونت ۳۹/۳۶ درصد افراد است. وجود دوستان و تحصیل به مقدار ناچیزی باعث سکونت افراد شده‌اند و درآمد بیشتر نیز تاثیری در سکونت افراد ندارد.

در منطقه سه ارزان بودن زمین در حدود ۶۰/۲۵ درصد علت سکونت افراد بوده است. وجود خویشاوندان نیز عامل مهمی برای ۲۰/۵۱ درصد افراد می‌باشد، اما وجود دوستان، انتقال اداری، ازدواج و درآمد بیشتر تاثیری در سکونت افراد ندارد.

در منطقه چهار به ترتیب ارزان بودن زمین (۳۱/۰۸)، وجود خویشاوندان (۲۵/۶۷)، تحصیلات (۱۸/۹۱) و پس از آن انتقال اداری (۹/۴۵) علت سکونت ذکر شده است. وجود دوستان و اخذ درآمد بیشتر تاثیر چندانی در سکونت افراد ندارد.

وضعیت مسکن در منطقه به درصد

منطقه چهار	منطقه سه	منطقه دو	منطقه یک	
۷۲/۹۷	۷۸/۲۰	۷۹/۷۸	۷۷/۲۷	منزل شخصی
۲۲/۹۷	۲۰/۵۱	۱۷/۰۲	۱۶/۸۸	استیجاری
۲/۷۰	-	۱/۰۶	۲/۵۹	سازمانی
۱/۳۵	-	۱/۰۶	۱/۹۴	نزد خویشاوندان
-	-	۱/۰۶	۰/۶۴	نزد دوستان
-	۱/۲۸	-	۰/۶۴	اظهار نشده

منطقه یک: حدود ۷۷/۲۷ درصد افراد منزل شخصی دارند و ۱۶/۸۸ درصد افراد در منازل استیجاری به سر می‌برند، بقیه درصد چندانی را شامل نمی‌شود.

منطقه دو: ۷۹/۷۸ درصد افراد در منزل شخصی به سر می‌برند و ۱۷/۵۲ درصد نیز در منازل استیجاری زندگی می‌کنند بقیه درصد چندانی را شامل نمی‌شوند.

منطقه سه: ۷۸/۲۰ درصد افراد در منازل شخصی زندگی می‌کنند، ۲۰/۵۱ درصد افراد در منازل استیجاری به سر می‌برند.

منطقه چهار: ۷۲/۹۰ درصد افراد منازل شخصی دارند و ۲۲/۹۷ درصد افراد در منازل استیجاری زندگی می‌کنند.

به لحاظ وجود شغل مناسب در منطقه یک ۵۵/۸۴ درصد از پاسخگویان مطرح کرده‌اند که شغل مناسب برای افراد به میزان کم وجود دارد. ۳۴/۴۱ درصد از افراد نیز اظهار کرده‌اند که شغل مناسب به طور متوسط در منطقه وجود دارد.

در منطقه دو ۴۳/۶۱ درصد از پاسخگویان امکان پیدا شدن شغل مناسب را کم دانسته‌اند؛ ۲۸/۷۲ درصد از افراد نیز مطرح کرده‌اند که به طور متوسط میتوان شغل مناسب با درآمد متوسط داشت.

در منطقه سه نیمی از پاسخگویان امکان ساختن شغل مناسب را کم داشته‌اند و نزدیک به ۴۰ درصد افراد امکان یافتن شغل مناسب را به طور متوسط داشته‌اند.

در منطقه چهار بیش از نیمی از افراد امکان یافتن شغل مناسب را کم دانسته‌اند، ۲۲/۰۷ درصد از افراد اظهار نظر نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیقات میدانی به عمل آمده از طریق مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌های توزیع شده میتوان به نتایج زیر اشاره نمود:

- وضعیت تأهل: اکثریت پاسخگویان متأهل هستند. این وضعیت میتواند ناشی از ازدواج زودرس آنان باشد. با توجه به پایین بودن سطح تحصیلات عالی (بیشتر زیر دیپلم) افراد بیشتر زود ازدواج می‌کنند و اشتغال در سطح پایین نیز عامل مؤثری در این رابطه خواهد بود. پایین بودن سطح توقعات اجتماعی-اقتصادی می‌تواند زمینه‌های فوری را برای ازدواج فراهم سازد.

- وضعیت تحصیل: بیشترین درصد تحصیل در چهار منطقه مربوط به مقطع راهنمایی است. طبیعی است که تحصیل عامل مهم و متغیر مستقلی برای افزایش سن ازدواج، یافتن مشاغل عالی آموزشی و افزایش سطح توقعات به شمار می‌رود. با توجه به پایین بودن سطح تحصیلات، گرایش به مشاغل یدی و خصوصاً کارگری-مغازه‌داری افزایش می‌یابد. افراد در سن پایین نیز می‌توانند به استقلال اقتصادی دست یابند و زندگی مشترک را آغاز نمایند. دو متغیر تحصیل و اشتغال ارتباط نزدیکی دارند. از این رو در مناطق شهری قم مشاهده می‌کنیم که بنابر مسایل خانوادگی گرایش بیشتری به اشتغال در سطح پایین است و همین عامل بر وضعیت تحصیلی آنها مؤثر است.

- محل تولد: عمدتاً ساکنین قم، متولد همین شهر هستند که به طور میانگین ۶۰ درصد را تشکیل می‌دهند. این تعداد معمولاً در محله‌های مرکزی شهر زندگی می‌کنند ولی میزان ۴۰

درصدی متولدین غیربومی نیز قابل ملاحظه است زیرا به جز مهاجرین خارجی (بخصوص عراقی) که از وضع مالی نسبتاً خوبی برخوردارند طبعاً بقیه از استانهای همجوار و غیرهمجوار آمده و وضع مالی مناسبی ندارند و همین وضعیت می تواند در فرآیندهای توسعه ای شهر اثربخش باشد.

- وضعیت مالی: به طور میانگین ۶۰ درصد ساکنین محله های قم فقیر هستند و اگر وضعیت متوسط نشین (از لحاظ مالی) را به آنها اضافه کنیم بعضاً بیش از ۹۰ درصد خواهد شد، لذا این پدیده کارکردهای نامناسبی را برای توسعه قم به همراه خواهد داشت، زیرا کسانی وارد قم شده اند که سرمایه ای نداشته اند و در عین حال آمده اند که از امکانات دیگر شهروندان بهره مند شوند؛ همین عامل نیز از امکانات رفاهی شهروندان قم می کاهد.

- وضعیت مهاجرت: می دانیم که مهاجرت به معنای دفع محل سکونت قبلی و جذب محل

سکونت فعلی است یعنی $M = P * P$ = مهاجرت $ull = P$ (جذب) $Push = P$ (دفع).

طبیعی است در مورد قم نیز این وضعیت صادق است. زیرا در مناطق قبلی به علت گرانی، عدم اشتغال و بیکاری امکان ادامه حیات وجود نداشته، لذا متناسب با نیات و اهداف و پیش بینی هایی جهت زندگی به شهر مهاجرت کرده اند. در مورد قم وجود خویشان و ارزان بودن زمین دو عامل بسیار مهم بوده است هر چند تنها عوامل نبوده اند. معمولاً وجود خویشان این امید را برای دیگران ایجاد می کند که آنها نیز می توانند این مهاجرت را تجربه کنند و احیاناً چون وضعیت مالی آنان از قبل بهتر شده است، این وضعیت تقویت می شود از سوی دیگر وجود خویشان کمک مؤثری برای مهاجرت های دسته جمعی می کند. اما به علت گران بودن مناطق مرکزی شهر امکان ورود آنها به این مناطق وجود ندارد لذا سر از بیغوله ها و مناطق گتونشین در خواهند آورد. در این مناطق حاشیه ای شهر، زمین ارزان است و با حداقل امکانات می توانند خانه ای را جهت گذران زندگی فراهم سازند. با توجه به چنین مهاجرت ها و مهاجرینی، طبیعی است تاثیر فراوانی بر وضعیت اقتصادی اشتغال، تحصیلات، تحرک اجتماعی و مشارکت های اجتماعی آنان خواهد گذاشت. بدیهی است چنین مهاجرینی کمتر امکان بازگشت را خواهند داشت زیرا حدود ۷۰ درصد آنها اعلام نموده اند که به صورت اجباری (بخاطر شرایط اقتصادی) مهاجرت کرده اند، لذا چون آمده اند تا بمانند، مسایل اجتماعی - اقتصادی فراوانی را برای شهروندان قمی ایجاد می کنند تنش های فرهنگی، اختلافات قومی، عدم تمایل به همکاری با دیگران، از بین رفتن مشارکت های اجتماعی، بی تفاوتی نسبت به محیط جدید همه از مسایلی است که برای مردم قم کارکردهای خوبی را به همراه

نخواهد داشت. طبیعی است چنین تنش‌هایی هر لحظه امکان درگیریهای فیزیکی را به همراه دارد. تازه واردین از این وضعیت نیز راضی نیستند و عمدتاً معتقدند (بیش از ۷۰ درصد) اگر وضعیت محل سکونت قبلی اصلاح می‌شد امکان بازگشت آنان وجود داشت.

- آسیب‌های اجتماعی: آدنا ویرا معتقد است درست است که شهر محل آسیب‌های اجتماعی است ولی ریشه این آسیب‌ها به مهاجرین و بخصوص روستاییان برمی‌گردد. حتی اگر باور ایشان را به طور کامل درست ندانیم این سؤال پیش می‌آید که چرا عمدتاً در شهرها این مقدار آسیب وجود دارد؟ آیا مردم شهر که معمولاً فرهنگ شهری را پذیرفته‌اند، آسیب‌زا هستند؟ یا این که دیگران از مناطق دیگر این سوغات را برای میزبان‌های خود به ارمغان می‌آورند؟ به نظر می‌رسد سخن آدنا ویرا تا حدودی درست است. زیرا مهاجرین در محل سکونت قبلی خود احساس آزادی نمی‌کردند که دست به هر کاری بزنند و از سویی به علت فراوان بودن حداقل شرایط زندگی امکان ادامه حیات داشتند و می‌توانستند دست به نوآوری و خلاقیت (با کارکردهای مثبت و منفی) بزنند. ولی متأسفانه گرایش عمده در مقصد مهاجرت، گرایش به سوی انحرافات است. آمارهای تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد تازه واردین به استعمال مواد مخدر اقدام می‌کنند و یا در همین حدود در توزیع مواد مخدر مشارکت دارند و طبیعی است بیش از ۸۰ درصد شئونات اسلامی را رعایت نمی‌کنند و به طرق مختلف زمینه تنش‌های قومی - قبیله‌ای را فراهم می‌سازند.

با توجه به مجموع جداول و نیز نتایج استخراج شده از آنها، فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شوند و بین متغیرهای مستقل و وابسته ارتباط منطقی و رابطه علی وجود دارد.

پیشنهادات

پس از انجام تحقیقات گسترده و بررسی مسایل اجتماعی محله‌ها و مناطق شهری قم، در اینجا برای بهبود شرایط موجود چند پیشنهاد ارائه می‌نماییم:

- نظر به این که محله به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی برای برنامه‌ریزی شهری می‌باشد، لذا شناخت آن از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو تحقق بهینه طرح‌های جامع استانی امکان‌پذیر است که خواستگاههای محلی آنها بررسی شود. بنابراین طرح جامعه‌شناسی محله یا

جغرافیای محله و برنامه‌ریزی محله با توجه به کاربری‌های مختلف می‌تواند مشکلات و مسایل اصولی را حل نماید.

- مهاجرین و تازه واردین نمی‌توانند جذب محله‌های قدیمی که ساختار فرهنگی کهن دارند، شوند؛ لذا گرایش به حاشیه‌های جغرافیایی با توجه به حاشیه‌های فرهنگی - اقتصادی و اخلاقی دارند. از این رو آنان اقدام به تشکیل حاشیه نشینی می‌کنند. در حالی که همین حاشیه نشین‌ها هستند که زایش انواع آسیب‌های اجتماعی را باعث می‌گردند. جدایی تازه واردین از ساکنان و شهروندان بومی، احساس آزادی را در آنها متبلور می‌سازد احساسی که طبعاً در جهت توسعه شهر نیست. از این رو شناخت ویژگی‌های روانی - اجتماعی تازه واردین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

- مهاجرین یا شهروندانی که از میزان تحصیلات بالایی برخوردار نیستند زودتر وارد بازار کار می‌شوند، اگر بازار کار مساعدی نباشد گرایش به رفتارهای انحرافی خواهند داشت. از این رو به نظر می‌رسد اگر امکانات مناسبی در جهت افزایش سطح تحصیلات آنان فراهم گردد، آنها وارد بازار کار (در سطح پایین) نخواهند شد و تراکمی برای بازار کار ایجاد نخواهند کرد و از سوی دیگر تاخیر در سن ازدواج خواهند داشت و طبعاً با افزایش سن و با تحصیلات عالی میزان زاد و ولد نیز کاهش خواهد یافت. این پیشنهاد آرمانی نیست و قابل تحقق است زیرا با استفاده از تجارب مؤسساتی مثل دانشگاه آزاد و مدارس غیرانتفاعی میتوان از سرمایه‌های مردمی در این امر استفاده کرد. البته وضعیت مالی نامناسب مردم می‌تواند این فرآیند رو به توسعه را باز دارد ولی ارزشی شدن تحصیل و تبلیغات گسترده در این راستا تا حدودی می‌تواند مؤثر باشد.

- کمک بزرگ و بسیار مهم حاشیه‌ها (برخلاف محله‌ها) توسعه مشارکت اجتماعی است. در محله هر کسی خود را عضو آن می‌داند و معمولاً در همه زمینه‌ها مشارکت دارند (در خصوص ساختن مسجد، مدرسه، حمام و ...) در حالی که در مناطق ضعیف (از لحاظ مالی) چون فرد ساکن بودن خود را موقت می‌داند، لذا مشارکتی نخواهد داشت؛ در این زمینه میتوان با ایجاد تعلق اجتماعی زمینه‌های مشارکت را فراهم کرد. در این زمینه میتوان از معتمدین محلی، دیدگاههای خود مردم، بسط امکانات و توانمندی‌های موجود، برقراری مسابقات و ایجاد زمینه‌های رقابت سالم و ... کمک گرفت. طبیعی است چنین مردمی روحیه خود کم بینی دارند در حالی که با بها دادن به آنها و استفاده از حداقل امکانات میتوان جهت توسعه محل یا منطقه اقدام نمود.

- با توجه به فرآیندهای روزافزون بیکاری و طبعاً با پیامدهای اجتماعی مخربی که برای مردم خواهد داشت و از سوی دیگر با توجه به نیروی کار ارزانی که در مناطق وجود دارد میتوان اقدام به تاسیس کارگاههای اشتغال زا اقدام نمود. در این زمینه نهادهایی همچون کمیته امداد به جای کمک نقدی و جنسی به افراد محروم می‌تواند کارگاههایی متناسب با توانمندیهای موجود تاسیس نماید که جنبه خوداشتغالی نیز داشته باشد.

منابع

- ۱- ایران محبوب، جلیل، «جامعه‌شناسی شهری»، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۸۰.
- ۲- توسلی، غلامعباس، «جامعه‌شناسی شهری»، چاپ سوم، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- ربانی، رسول، «جامعه‌شناسی شهری»، انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱.
- ۴- ساروخانی، باقر، «درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی»، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۵- شکوئی، حسین، «جغرافیای شهری» جلد اول، سمت، تهران، ۱۳۷۳.
- ۶- ممتاز، فریده، «جامعه‌شناسی شهری»، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
- ۷- بیرو، آلن، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۶.
- ۸- توسلی، غلامعباس، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، سمت، تهران، ۱۳۶۹.
- ۹- سیادت، سیدعلی و ربانی، رسول، «طراحی و تحلیل نظام‌های آموزشی»، آوای نور، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۰- اسحاقیان، مهدی و هویدا، رضا، «زمینه‌مدیریت آموزشی»، نشر گویا، اصفهان، ۱۳۷۶.
- ۱۱- وبر، م. «شهر در گذر زمان»، ترجمه شیوا کاویانی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۰.
12. Craal F. (1986). *La theorie de l'espace human* Unesco, Paris.
13. Grafmeyer, Y. (1994). *Sociologie urbaine*. Nathan, Paris.
14. Merlin P. (1991). *L'urbanisme*. PUF, Paris.
15. Merlin P. Choay F. (1988). *Dictionnaire de l'urbanisme et de l'aménagement* PUF, Paris.
16. Remy J. (1995). *George Simmel: ville et modernite*: l'Harmattan, Paris.
17. Remy J. (1992). *La ville: vers une nouvelle definition*, l'Harmattan, Paris.
18. Roncayolo M. (1990). *Vla ville et ses territoires*. Gallimard, Paris.
19. Waynek D. (1984). *Factoral ecology*. Gocer.
20. Merlin, P. (1973). *Methodes quantitatives et espace urbain*. Masson et cie, Paris.